

حماسه مقاومت

حکایت مقاومت قهرمانانه مردم خوی در مقابل تهاجم ارامنه

به روایت منابع دست اول

به کوشش:

علیرضا مقدم

سجاد زینالی

سرشناسه : مقدم، علیرضا، ۱۳۵۸ ، گردآورنده
 شناسه افزوده : زینالی، سجاد، ۱۳۶۷، گردآورنده
 عنوان و نام پدیدآوران : حماسه مقاومت: حکایت مقاومت قهرمانانه مردم خوی در مقابل تهاجم ارامنه به روایت
 منابع دست اول / گردآورندگان: علیرضا مقدم و سجاد زینالی
 مشخصات نشر : تبریز، انتشارات نیاتی، ۱۳۹۷
 مشخصات ظاهری : ۳۷۹ ص
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۹۰-۸۴-۱
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : ارامنه، اسوریان، ایران، خوی، آذربایجان، جنگ جهانی اول، جیلولو
 موضوع : قاجار، دخالت، خلستان، نبرد خوی، روابط قومی
 موضوع : Armenians, Assyrians, Iran, Khoy, Azarbaijan, Battle of khoy
 موضوع : Jiloluq, World War, Ethnic Relations, Qajars, 1914-1918
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ / ۵ / ۱۲ / DSR
 رده بندی دیویی : ۹۵۵ / ۰۷۵۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۴۶۸۱۶۵



حماسه مقاومت

حکایت مقاومت قهرمانانه مردم خوی در مقابل تهاجم ارامنه

به روایت منابع دست اول

توپلایانلار: علیرضا مقدم و سجاد زینالی

جیلد تاساریمی: احمد خضولو / صفحه تاساریمی: سجاد زینالی

ناشر: نیاتی / تیراژ: ۱۰۰ جلد / قطع: رقعی / بیرینجی چاپ ۱۳۹۷

دیر: ۴۵ مین تومن

شابک: ۹-۸۴-۸۶۹۰-۶۰۰-۹۷۸

مرکز فروش: تبریز - مابین سه راه طالقانی و تربیت - مجتمع تجاری استاد شهریار - زیرزمین -

پلاک ۴۶ - تلفن: ۰۴۱۳۵۵۴۷۵۱۰

فهرست

مقدمه / ۷

- فتنه و آسوریان در آذربایجان غربی، مهدی آقاسی / ۱۵
- تبایات ارامنه میرزا ابوالقاسم امین الشرع خویی / ۷۷
- بازمانده‌ی داستان سلیمان و ارومی، احمد کسروی / ۱۳۱
- در چنبر نیرنگ‌های روانه ننگ بیگانه، محمدامین ریاحی / ۱۴۷
- امیدواری به تغییر وضع، رحمت الله، وفیق / ۱۸۱
- سرگذشت خونین من یا سلماش در محاربه عالم‌سوز / ۱۸۷
- هلوکاست جیلولوق در ایران و نقش ادبستان در آن، اصغر حیدری / ۲۴۹
- سندی از مقاومت خونیان در برابر هجوم ارامنه، علیرضا مقدم / ۲۸۵
- کتاب‌شناسی فجایع جیلولوق و حمله ارامنه به خوی، سجّاد زینا / ۲۹۳
- داستان دلاوران خوی، حمید آرغیش / ۳۱۷
- ŞANLI DİRENİŞ, Seccad Zeynali / 353
- 100th ANIVERSARY OF KHOY'S HEROIC RESISTANCE, Abbassali Ahmadoghlu / 361

مقدمه

مرزهای سیاسی بین کشورهای عربی که ما امروزه در آن زندگی می‌کنیم، کم و بیش محصول جنگ جهانی اول است. زیرا در پایان این جنگ، چند امپراتوری بزرگ و کهن از جمله امپراتوری عثمانی و امپراتوری اتریش - مجارستان از هم فروپاشید و در پی آن کشورهای تازه‌ای پا به عرصهٔ سیاسی جهان گذاشتند. به عنوان مثال از دل امپراتوری بزرگ عثمانی کشورهای جدیدی چون عربستان، سوریه، عراق، اردن، فلسطین و ... به وجود آمد.

از ابتدای جنگ جهانی اول دولت‌های متفق به خاک کشورهای متحد به چشم یک غنیمت جنگی می‌نگریستند و تلاش می‌کردند مساحت بیشتری از خاک این کشورها را به خود اختصاص دهند. کشور ایران هم به دلیل ضعف حکومت مرکزی و نداشتن ارتشی مقتدر و قوی، مورد طمع کشورهای بیگانه قرار گرفته بود. کشورهای امپریالیست و خونخوار که تلاش می‌کردند از خاک ایران برای خودشان سهمی اختصاص دهند، برای رسیدن به اهداف پلیدشان، از هیچ

خدعه و نیرنگی فروگذار نمی‌کردند.

یکی از مناطقی که در طول جنگ جهانی اول میان دولت‌های متحد و متفق، بسیار مورد مناقشه و نزاع بود، منطقهٔ آذربایجان ایران بود. این منطقه در بین ارتش عثمانی و ارتش روسیه دست به دست شده بود. ولی از ابتدای جنگ جهانی اول، تحت اشغال ارتش روسیه تزاری قرار گرفته بود. ارتش عثمانی هم همیشه تمایل داشت تا آذربایجان ایران را تحت کنترل خود داشته باشد. به همین دلیل ارتش عثمانی و ارتش روسیه تزاری همیشه بر سر آذربایجان ایران در حال کشاکش و درگیری بودند.

با وقوع انقلاب فوریه ۱۹۱۷ میلادی در روسیه تزاری و خلع نیکولای دوم از سلطنت، حکومت سلطنتی خانان روسانف عملاً در روسیه از هم پاشیده شد. پس از انقلاب فوریه، حکومت جدید روسیه را گروهی از لیبرال‌ها و سوسیالیست‌ها تشکیل دادند و با برگزاری انتخاباتی دموکراتیک، مجلس موکلان و قوهٔ مجریه را در دست گرفتند. مشکلات اقتصادی و اجتماعی روسیه در آن روزها به قدری زیاد بود که مردم عادی نان برای خوردن نمی‌افتند. کارگران هم دست به اعتصابات سراسری زده و بخش صنعتی شهرهای بزرگ را از کار انداخته بودند. روسیه‌ای که به سرعت به سوی اضمحلال و نابودی پیش می‌رفت و درگیر مشکلات اقتصادی زیادی بود، دیگر توانایی ادامهٔ حضور در جنگ جهانی اول را نداشت.

نظامیان روسیه هم که منطقهٔ آذربایجان ایران را تحت اشغال خود داشتند، دچار سردرگمی و بلاتکلیفی شده بودند. آنها نمی‌دانستند حکومت جدید روسیه چه کار خواهد کرد و چه دستوری صادر خواهد کرد. چند ماه بعد، یعنی در اکتبر سال ۱۹۱۷ میلادی، انقلاب دوم در روسیه به وقوع پیوست و بلشویک‌ها

توانستند حکومت را در اختیار بگیرند. بلشویک‌ها دیدگاه مثبتی در رابطه با ادامه حضور در جنگ جهانی اول نداشتند و این جنگ را یک جنگ امپریالیستی بر علیه کشورهای ضعیف می‌دانستند. از اینرو آنها خواهان خروج از این جنگ و تمام عواقب و نتایج آن شدند. به همین سبب بلشویک‌ها با کشورهای درگیر جنگ بر سر میز مذاکره نشستند و با امضای قرارداد ترک مخاصمه «برست-لیتوفسک» در ماه مارس سال ۱۹۱۸ میلادی، کناره‌گیری خود از جنگ جهانی اول را اعلام کردند. این قرارداد به این معنا بود که روسیه دیگر با آلمان و اتریش و مجارستان و بلژیک و فرانسه و عثمانی خصومتی نداشت و دیگر با آنها طرف درگیر جنگ نبود.

پس از امضای این قرارداد، حکومت روسیه دیگر نیازی به ادامه حضور ارتش روس در منطقه آذربایجان ایران نداشت. به همین دلیل بلشویک‌ها تمام افسران، سربازان و سالدات‌های روسی را به ترک منطقه آذربایجان ایران فراخواندند.

با تخلیه آذربایجان ایران از ارتش روسیه و بازگشت سالدات‌های روس به کشور خودشان، زمینه برای حضور و گسترش هژمونی ارتش عثمانی بر منطقه آذربایجان ایران بسیار مساعد گشت. زیرا کشور عثمانی هم‌مرز با منطقه آذربایجان ایران بود و ارتش عثمانی بسیار تمایل داشت که این منطقه را به فرماندهی مهم و استراتژیک را تحت کنترل خود داشته باشد.

ولی این امر زیاد مورد خوشایند انگلیس و فرانسه نبود. چون انگلیس و فرانسه هر دو در جهت متفقین بودند و با دولت عثمانی دشمن بودند. از اینرو انگلیس و فرانسه با مشاهده کنار کشیدن روسیه از جنگ، خود را ملزم دیدند تا نگذارند منطقه آذربایجان ایران به دست ارتش عثمانی بیافتد. از طرف دیگر

انگلیس بیم این داشت که دو متحد اصلی، یعنی عثمانی و آلمان بتوانند کنترل ایران را در اختیار بگیرند و راه خود را برای تصرف و اشغال مستعمره ارزشمند انگلیس، یعنی هندوستان بگشایند.

از اینرو، انگلیس و فرانسه برای جلوگیری از تسلط عثمانی بر آذربایجان ایران، تنها چاره کار را در حمایت از گروه‌های مسلح مسیحی و ایجاد یک کشور مسیحی دیدند. نکته دیدند. انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها به خوبی می‌دانستند آسوری‌ها را می‌توان به جنگجویان بی‌باک و بی‌رحمی هستند و این گروه‌های مسلح مسیحی می‌توانند به کمک آنها بیایند. از اینرو انگلیس و فرانسه و آمریکا شروع به ارسال سلاح به این گروه‌های مسیحی کردند و آنها را به خوبی مسلح کردند. ارتشیار روم به هم که در حال عقب‌نشینی بودند، با علم به اینکه ارمنی‌ها و آسوری‌ها با ارتش عثمانی خواهند جنگید، سلاح‌های خود را به آنها فروختند و آنها را به خوبی تجهیز کردند. سادات‌های روس همچنین می‌دانستند در راه بازگشت به خانه، سلاح‌های آنها توسط ارامنه قفقاز و مسلمانان نخجوان ضبط خواهد شد، به همین دلیل چاره‌ای غیر از فروختن سلاح‌هایشان نداشتند.

در این شرایط گروه‌های مسلح ارمنی و آسوری که اخیراً فریب انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و آمریکایی‌ها شده بودند، به توجیه ایجاد یک کشور مسیحی در غرب آذربایجان افتادند. آنها تصور می‌کردند می‌توانند با حمایت‌های انگلیس و فرانسه و آمریکا یک کشور مسیحی در غرب آذربایجان ایجاد کنند و مسلمانان این منطقه را از سرزمین آبا و اجدادی‌شان بیرون کنند. ارامنه و آسوری‌ها برای پاکسازی قومی غرب آذربایجان از وجود مسلمانان و برای اجبار مسلمانان جهت ترک سرزمین اجدادی‌شان، دست به قتل عام‌های بزرگ و هولناکی زدند. به

عنوان مثال در شب چهارشنبه سوری سال ۱۲۹۶ شمسی، گروه‌های مسلح ارمنی و آسوری در شهر اورمیه چنان جنایات هولناکی مرتکب شدند که ذکر این جنایات، قلب هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد. جنایات و فجایعی که ما امروزه با نام «فحایع جیلولوق» می‌شناسیم، همگی روایت این قتل عام‌ها و جنایت‌های بیش از ۱۰۰ هزار ارمنی و آسوری در آذربایجان غربی است. مطالعه جنایات ارامنه و آسوریان را در اورمیه، سلماس و خوی، دیدگان هر انسان منصفی را پر اشک می‌کند.

از طرف دیگر، پس از اعلام استقلال ارمنستان در سال ۱۹۱۸ میلادی و تشکیل کشور مستقل ارمنی به پیدایش شهر سابقاً مسلمان‌نشین ایروان، گروهی از نظامیان عضو حزب تروریستی «اسناک سیون» به فرماندهی آندرانیک اوزانیان، برای گسترش مرزهای ارمنستان در ایران به زدن به قشون عثمانی از پشت، تصمیم به حمله به خوی و اشغال این شهر گرفتند. آنها می‌خواستند با اشغال خوی و در اختیار گرفتن کنترل منطقه وان-ار-مال-سجوان، شرایط را برای قشون عثمانی سخت‌تر کنند و قشون عثمانی را از پشت سر مورد حمله قرار دهند. آندرانیک اوزانیان و نظامیان تحت امرش تصمیم داشتند به هر قیمتی که شده، ولو به قیمت کشته شدن مردم بیگناه و غیرنظامی خوی، این شهر مهم و استراتژیک را اشغال کنند. اگر شهر خوی توسط قوای آندرانیک سال ۱۳۰۷ میلادی، ارامنه قفقاز با ارامنه ایران متصل می‌شدند و شرایط برای ارتش عثمانی و مردم آذربایجان ایران بسیار سخت‌تر می‌شد.

از سوی دیگر مردم خوی هم که نمی‌خواستند سرنوشت تلخ و پر درد مردم اورمیه و سلماس را تجربه کنند، تصمیم به دفاع از شهرشان گرفتند. این مردم بر آن شدند تا با دستان خالی و با اندک داشته‌های خود، از شهر و ناموس و

موجودیت خودشان دفاع کنند. چون می‌دانستند اگر شهر خوی به اشغال ارامنه درآید، قتل عام گسترده‌ای رخ خواهد داد و مردمان بیگناه زیادی به دست خونخوارهای ارمنی کشته خواهند شد. چنانچه در شهرهای اورمیه و سلماس نظر این اتفاق رخ داده بود.

پس از رسیدن نظامیان ارمنی به دیوارهای دفاعی شهر خوی در سوم تیرماه سال ۱۲۹۲ هجری قمری و پس از جنگی یک روزه، قشون عثمانی به فرماندهی علی احسن پاشا به سوی مردم خوی رسیدند و آنان را از خطر قتل عام رهانیدند. اگر قشون عثمانی آن روز به سوی مردم خوی نمی‌رسید و حمله ارامنه را دفع نمی‌کرد، چه بسا خون‌های زیادی از مردم بیگناه خوی ریخته می‌شد و افراد زیادی کشته می‌شدند. از آنرو به هنگام رسیدن ارتش عثمانی، مردم خوی فریادهای الله اکبر سر دادند و از فاطمه و ثانی، اشک شوق ریختند. مردم خوی در برابر قشون عثمانی گوسفند قربانی می‌کردند و از نظامیان عثمانی به خوبی پذیرایی می‌کردند.

با تأسف زیاد باید گفت که حوادث و فجایع بی‌شمار به طور اعم و حادثه عظیم مقاومت مردم خوی در برابر تهاجم قوای ارمنی، طور اخص، آن گونه که باید و شاید مورد توجه پژوهشگران تاریخ قرار نگرفته و به علل گوناگون به ورطه فراموشی سپرده شده است، به گونه‌ای که بسیاری از مردم کشور و حتی ساکنان خود مناطق غرب آذربایجان از این حوادث تلخ و پردرد خبردار نیستند و از بلایایی که بر سر پدرانشان در گذشته‌ای نه چندان دور آمده، اطلاع چندانی ندارند.

از این رو بر آن شدیم تا منابع دست اول تاریخی مرتبط با این حادثه و نیز معدود نوشته‌های بعدی درباره آن را در مجموعه‌ای گردآوری و تقدیم خوانندگان

عزیز بکنیم. از مطالبی که در این مجموعه مطالعه خواهید کرد، نوشته‌های امین‌الشرع خویی، رحمت‌الله توفیق و نویسنده ناشناس سلماسی حاصل دیده‌ها و تجربیات شخصی مؤلفان است و از این منظر ارزش فراوانی دارد. نوشته‌های احمد نسوی، مهدی آقاسی و محمدامین ریاحی نیز مستند به خاطرات و روایات و نوشته‌های کسانی هستند که شخصاً در بطن حوادث حضور داشته‌اند. در مقاله اصغر حیدری نگاه کمی به اتفاقات آن سالهای غرب آذربایجان افکنده می‌شود و در مقاله سید محمد باقر سندی کم نظیر و بسیار ارزشمند از آن سالها ارائه می‌شود. سجاده زینبی نیز در نوشته‌ای، کتابشناسی فجایع جیلولوق و حمله ارامنه به خوی را ارائه کرده و در مطلب دیگری به زبان ترکی استانبولی، روایتگر مقاومت مردم خوی در برابر 'رامند' است. همین کار را آراز (عباسعلی) احمدآوغلو در نوشته‌ای به انگلیسی انجام داد و این اتفاق تاریخی را به زبان انگلیسی توضیح داده است. سرانجام حمید آرغیش، نویسنده خویی هم حوادث آن روزها را در قالب داستانی روایت کرده است.

چاپ نخست این مقالات و نوشته‌ها در یکم آبان ۱۳۹۷ در تیرماه ۱۳۹۷ به صورت ویژه نامه مجله ندی/شعبه و به همت مدیرمسئول فرهیخته آن، حامد کاظم زاده خویی تحقق یافت. چاپ حاضر نیز با افزودن دو نوشته دیگر به صورت کتابی مستقل عرضه می‌شود؛ اینها حاوی از زحمات احمد خضرو به خاطر طراحی جلد این کتاب تشکر کنیم.

امید است چاپ این کتاب، قدم کوچکی جهت شناساندن مقاومت تاریخی مردم خوی در برابر تهاجم ارامنه و قدرشناسی‌ای از شجاعت‌های قهرمانان آن روزگار باشد.